

روزنه

بخت با ترامپ یار نیست

● روند نظرسنجی‌های انتخاباتی در آمریکا همچنان مثل روزها و هفته‌ها و ماه‌های گذشته حاکی از اقبال بیشتر جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها نسبت به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی این کشور است؛ نظرسنجی‌هایی که اگر مبنای پیش‌بینی نتیجه نهایی انتخابات قرار گیرد، شاید بتوان از هم‌اکنون ترامپ را رئیس‌جمهوری تک‌دوره‌ای و بایدن را پیروز انتخابات ۲۰۲۰ دانست. ترامپ در اولین مصاحبه تلویزیونی‌اش بعد از اینکه تست کرونا ی او مثبت بوده است، برای جلب حمایت مردم گفت: «احساس می‌کنم که قوی هستم». او بعدازظهر شنبه بدون داشتن ماسک در بالکن باغ جنوبی کاخ سفید حاضر شد و سخنرانی تبلیغاتی خود را از یک محل عمومی برای آنچه ۵۰۰ نفر رنگین‌پوست نامیده شدند، ارائه داد. ترامپ باز هم بایدن را «خواب‌آلود» خطاب کرد و گفت سیاست او باعث شده است میلیاردها دلار به چین سرازیر شود. ترامپ که به دلیل وضع جسمانی‌اش و دست‌کم به‌خاطر ناقل‌بودن، طبق مقررات جهانی باید در قرنطینه بماند، این روزها سخت در تکیاو برای تشکیل گروه‌هایی‌های انتخاباتی و حضور در جمع مردم است. روزنامه تلگراف در این زمینه نوشت: متوسط ۱۰ نظرسنجی نشان می‌دهد که او در حال حاضر کمتر از ۵۰ درصد آمریکایی‌ها قصد دارند به جو بایدن رأی دهند، درحالی‌که حمایت ترامپ حدود پنج تا شش درصد کمتر است. روزنامه نیویورک تایمز هم گزارش داد: نظرسنجی این هفته سسی‌ان آن نشان داد که جو بایدن با اختلاف ۱۶ درصد از ترامپ جلو افتاده است. این نظرسنجی بعد از تشخیص ابتلای ترامپ به کرونا انجام شد و ۶۳ درصد آمریکایی‌ها گفتند که رفتار رئیس‌جمهور در مدیریت تهدید عفونت کرونا غیرمسئولانه بوده است. نتایج نظرسنجی دانشگاه مونموث نیز نشان داد که ۵۴ درصد از رأی‌دهندگان واجد شرایط در پنسیلوانیا از بایدن و ۴۲ درصد از ترامپ حمایت می‌کنند. بایدن متولد پنسیلوانیا است و بخشی از کودکی‌اش را در این ایالت سپری کرده است و سپس به همراه خانواده‌اش به دلایر عزیمت کرده است. پنسیلوانیا جزء ایالت‌های چرخشی در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا است و در سال ۲۰۱۶ هیلاری کلینتون نامزد وقت دموکرات‌ها در نظرسنجی‌های قبل از انتخابات بسیار از ترامپ جلوتر بود، اما در نهایت در روز انتخابات ترامپ با یک درصد آرای بیشتر از هیلاری کلینتون جلو افتاد. با وجود پیشتازی بایدن در شش ایالت کلیدی آمریکا حدس و گمانه‌ای وجود دارد درباره اینکه آیا این نظرسنجی‌ها نتایج روز انتخابات را نشان خواهد داد یا نه. روزنامه گاردین می‌نویسد که این نتایج پیروزی نامزد دموکرات‌ها را تضمین نمی‌کند. در انتخابات سالان ۲۰۱۶ میلادی هیلاری کلینتون در نهایت آرای اکثرال‌ها را از دست داد و ازاین‌رو با وجود پیشتازی در نظرسنجی‌ها، در نهایت در انتخابات شکست خورد.

موشک جدید کره شمالی پیمای برای رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا

● به گفته تحلیلگران، موشک عظیم‌الجنه جدیدی که کره شمالی در یک رژه نظامی به نمایش گذاشت، تهدید صریحی برای دفاع ایالات متحده و یک چالش قطعی برای رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور آتی امریکاست. آنها همچنین هشدار دادند که پیونگ‌یانگ می‌تواند این سلاح را سال آینده آزمایش کند. به گزارش ایسنا به نقل از آسوشیتدپرس، کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی سحرگاه شنبه در اوج یک رژه بی‌سابقه در پیونگ‌یانگ، نظاره‌گر نمایش موشک بالستیک قاره‌پیما دور میدان «کیم ایل سونگ»- نام‌گذاری شده به نام پدربزگ کیم- بود. در بین تحلیلگران به سرعت این اجماع حاصل شد که این موشک، بزرگ‌ترین موشک محرک با سوخت مایع در جهان است و به احتمال زیاد، برای حمل چندین کلاهک جنگی در سیستم هدف‌گیری پرشمار مستقل (MIRV) طراحی شده است. «جفری لویس» از مؤسسه مطالعات بین‌المللی «میدلبرسی» گفت این موشک، به طور واضح غلبه بر سیستم دفاع موشکی آمریکا در آلاسکا را هدف گرفته است. ناظران کره شمالی مرتباً هشدار می‌دهند دستگاه‌هایی که پیونگ‌یانگ در رژه‌های خود به نمایش می‌گذارد، ممکن است ماکت یا مدل باشد و تا زمانی که به آزمایش گذاشته نشوند، مدرکی دال بر کارکردن آنها وجود ندارد.

انتخابات سال جاری ریاست‌جمهوری ایالات متحده می‌تواند تفاوتی عمده با انتخابات‌های قبلی داشته باشد. تنش میان دو رقیب انتخابات به اندازه‌ای بالا گرفته که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا، بارها تأکید کرده در صورت شکست مقابل «جو بایدن» دموکرات به‌سادگی کاخ سفید را ترک نخواهد کرد. در مناظره میان «مایک پنس»، معاون ترامپ و «کامالا هریس»، معاون جو بایدن هم پنس از ارائه پاسخ واضح به این سؤال که «آیا ترامپ در صورت شکست در انتخابات، این نتیجه را می‌پذیرد و کاخ سفید را ترک می‌کند؟» طفره رفت.

در چنین شرایطی سؤالی مطرح می‌شود که نه‌تنها برای شهروندان آمریکایی بلکه برای هر ناظری عجیب و بی‌سابقه است: آیا در جریان رأی‌گیری، شمارش آرا یا واکنش‌های پس از اعلام نتیجه، وضعیت می‌تواند به حدی آشفته شود که ارتش ایالات متحده مجبور به مداخله شود؟ پاسخ مثبت است، اما فقط در موارد بحرانی. به طور معمول و در شرایط عادی ارتش آمریکا هیچ نقشی در انتخابات

ندارد. قانون اساسی، ارتش را مسئول حفاظت از ایالات متحده در برابر دشمنان خارجی دانسته و برقراری نظم مدنی هم عمدتاً به پلیس واگذار شده است؛ اما یک قانون مبهم وجود دارد که می‌تواند وضعیت را تغییر دهد: «قانون شورش» که از نظر تئوریک می‌تواند نقشی مشابه پلیس را به ارتش بدهد و در چنین شرایطی، فرمانداران در صورت لزوم توانایی استفاده از گارد ملی در موارد اضطراری را دارند. امکان بالقوه استفاده از نیروهای وظیفه‌فعال یا گارد ملی، در انتخابات یا در ناآرامی‌های پس از انتخابات از سوی فرمانداران و رهبران نظامی مورد بحث قرار گرفته و این احتمالات در حالی مطرح می‌شود که دونالد ترامپ بدون ارائه هیچ مدرکی ادعا می‌کند که رأی‌گیری پستی باعث تقلب در انتخابات می‌شود و این ادعا حاکی از آن است که ترامپ ممکن است شکست در انتخابات را نپذیرد.

نکته دیگر این است که استقرار نیروها در مکان‌های اخذ رأی در روز انتخابات -حتی اگر صرفاً برای محافظت از شهروندان هنگام رأی‌دادن باشد- نگرانی‌ها درباره ارباب‌رای‌دهندگان را افزایش می‌دهد.

کنترل غیرنظامی ارتش یک اصل اساسی در دموکراسی آمریکا محسوب می‌شود. این یعنی زنان و مردان یونیفرم‌پوش در رهبران غیرنظامی مانند وزیر دفاع پاسخ‌گو هستند و از سیاست جدا می‌مانند. آنها به قانون اساسی و قوانین کشور متعهد هستند، نه به یک حزب سیاسی یا یک رئیس‌جمهوری. ژنرال «مارک مایلی» که به‌عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش، عالی‌ترین مقام نظامی آمریکا محسوب می‌شود، مؤکداً به‌کنگره گفته ارتش متعهد است تا غیرسیاسی باقی بماند و از



رابرت کاپلین

برقراری روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و امارات متحده عربی و بحرین، دو کشور حاشیه خلیج فارس، بخشی از روند همکاری‌های امنیتی است که آغاز آن به سال‌ها قبل بازمی‌گردد. این موضوع در حالی که جنبه درام چنین تحولی را از بین می‌برد اما بر اهمیت آن می‌افزاید.

بر همین اساس روند پایان‌دادن به دوران رویارویی اعراب و اسرائیل ادامه خواهد یافت. اما این راهی است که اکنون خاورمیانه پیش‌روی خود دارد و به نظر می‌رسد که می‌خواهد این مسیر را برگزیند. سودان، عربستان سعودی، عمان و کویت برخی از کشورهای عربی هستند که گفته می‌شود توافق‌های صلح با اسرائیل را در حال بررسی دارند. ممکن است فعلاً یکی، دو کشور عقب‌نشینی کنند و عربستان سعودی هم با وجود حمایت از روند عادی‌سازی روابط کشورهای عرب منطقه با



هرگونه نقش انتخاباتی دور باشد. او در پاسخ کتبی به سؤال‌های دو نماینده دموکرات کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان گفت: «در صورت اختلاف درباره برخی جنبه‌های انتخابی، طبق قانون، دادگاه‌های ایالات متحده و کنگره آمریکا موظف به حل‌وفصل هرگونه اختلاف هستند، نه ارتش آمریکا. پیش‌بینی می‌کنم در انتخابات امسال نیز مانند تمام انتخابات‌ها لزومی نداشته باشد تا نیروهای مسلح ایالات متحده وارد ماجرا شوند».

مایلی تأکید کرد که «اعضای ارتش نباید در روند انتقال قدرت پس از انتخابات مداخله کنند». این جمله می‌تواند به این معنی باشد که در صورت اختلاف درباره نتیجه انتخابات، نباید این انتظار وجود داشته باشد که نیروهای نظامی وارد عمل شوند.

ارتش آمریکا از نیروی وظیفه‌فعال، گارد ملی و نیروی ذخیره تشکیل شده است. در همه موارد غیر از موارد بحرانی و بسیار خطرناک، از نیروهای وظیفه‌فعال برای محافظت از مردم آمریکا در جنگ استفاده می‌شود اما نه علیه شهروندان آمریکایی در داخل این کشور. واحدهای گارد ملی در تمام ایالت‌ها مستقر هستند و تحت فرمان فرمانداران ایالت‌ها قرار دارند نه دولت فدرال.

فرمانداران به‌طور معمول اعضای گارد را برای موارد اضطراری مانند بلایای طبیعی بسیج می‌کنند. فرمانداران همچنین می‌توانند از گارد ملی برای کمک به اجرای قانون در شورش‌ها استفاده کنند؛ اما معمولاً مجریان قانون (پلیس) حرف اول را می‌زنند و نیروهای گارد از آنها پشتیبانی می‌کنند. در جریان ناآرامی‌های

جهان

چالش‌های امتناع ترامپ از پذیرش شکست احتمالی در انتخابات

انتخابات زیر سایه نظامیان یونیفرم‌پوش



داخلی در ماه‌های گذشته، فرمانداران از نیروهای گارد برای سرکوب خشونت‌ها و تأمین امنیت استفاده کردند. آنها می‌توانستند دواره این کار را انجام دهند. برای تقویت این وضعیت، اداره گارد ملی، واحدهای پلیس ایالات متحده و کنگره آمریکا موظف به حل‌وفصل هرگونه اختلاف هستند، نه ارتش آمریکا. پیش‌بینی می‌کنم در انتخابات امسال نیز مانند تمام انتخابات‌ها لزومی نداشته باشد تا نیروهای مسلح ایالات متحده وارد ماجرا شوند».

مایلی تأکید کرد که «اعضای ارتش نباید در روند انتقال قدرت پس از انتخابات مداخله کنند». این جمله می‌تواند به این معنی باشد که در صورت اختلاف درباره نتیجه انتخابات، نباید این انتظار وجود داشته باشد که نیروهای نظامی وارد عمل شوند.

ارتش آمریکا از نیروی وظیفه‌فعال، گارد ملی و نیروی ذخیره تشکیل شده است. در همه موارد غیر از موارد بحرانی و بسیار خطرناک، از نیروهای وظیفه‌فعال برای محافظت از مردم آمریکا در جنگ استفاده می‌شود اما نه علیه شهروندان آمریکایی در داخل این کشور. واحدهای گارد ملی در تمام ایالت‌ها مستقر هستند و تحت فرمان فرمانداران ایالت‌ها قرار دارند نه دولت فدرال.

فرمانداران به‌طور معمول اعضای گارد را برای موارد اضطراری مانند بلایای طبیعی بسیج می‌کنند. فرمانداران همچنین می‌توانند از گارد ملی برای کمک به اجرای قانون در شورش‌ها استفاده کنند؛ اما معمولاً مجریان قانون (پلیس) حرف اول را می‌زنند و نیروهای گارد از آنها پشتیبانی می‌کنند. در جریان ناآرامی‌های

نقشه‌ای جدید برای خاورمیانه

اسرائیل، احتمالاً رسماً حاضر نیست چنین موضعی را علنی کند که آن هم چندان مهم نیست، چراکه همه این کشورها در عمل به خصوصت خود با دولت یهود پایان داده‌اند.

اکنون به نقشه نگا کنید: اتحاد اسرائیل و امارات متحده عربی تقریباً از دسترسی دریایی به سه طرف شبه‌جزیره عربستان برخوردار است: دریای سرخ، دریای عرب و خلیج فارس. فقط در این‌میان قطر کوچک و کشور جنگ‌زدمن تا حدودی می‌توانند چالش‌برانگیز باشند. در همین حال حضور فزاینده نظامی چین در جیبوتی و به‌طور بالقوه در بندر سودان به عنوان عنصری خنثی در رابطه با حاکمیت جدید امنیتی اعراب و اسرائیل باقی خواهد ماند، حاکمیتی که بسیار فراتر از حوزه دریایی خواهد بود و تضمین امنیت با فتاوری پیشرفته را در همه جنبه‌های آن شامل می‌شود.

خاورمیانه در مسیر یک تحول پیچیده قرار دارد. از دهه ۱۹۶۰، به مدت چند دهه رژیم‌های مستبد بعضی در سوریه و عراق جبهه مقابله علیه اسرائیل را سازماندهی می‌کردند. اما اکنون این کشورها در کنار لیبی که آن هم زمانی حکومتی تندرو داشت،

در نهایت، ترکیه به دلایل جغرافیا، فرهنگ و تاریخ قرن بیستم یک کشور شبه‌اروپایی محسوب می‌شود و از این نظر از ثبات بیشتری در برابر رابطه اعراب و اسرائیل برخوردار است اما ایران این جایگاه ترکیه را ندارد. نقل‌قول مشهوری از لنین می‌گوید: «ده‌ها ممکن است هیچ اتفاقی رخ ندهد اما در چند هفته اتفاقاتی رخ دهد که در حالت عادی به چند دهه زمان نیاز دارد». اساساً از زمان انقلاب ۱۹۷۹، در ایران اتفاق خاصی رخ نداده است و از سال ۱۹۹۴ که روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و اردن برقرار شد هم هیچ اتفاق قابل توجهی بین اسرائیل و همسایگان عرب آن رخ نداده بود. سپس در دوره هفتم، دو کشور عرب‌ها پیمان صلح با اسرائیل را امضا کردند. حال باید انتظار کشید و دید که تحولات در ایران چه زمانی از راه می‌رسند، شاید در دوره بعدی ریاست‌جمهوری ایالات متحده.

پویایی داخلی در ایران، کشوری با ۸۴ میلیون نفر جمعیت که بخش قابل توجهی از آنها تحصیل‌کرده هستند این پتانسیل را دارد که سال‌های

استفاده ریاست‌جمهوری از قانون شورش، ایستادگی کند؟

در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، رؤسای جمهوری آمریکا گاهی بدون موافقت فرمانداران، نیروهای ارتش را به ایالات جنوبی فرستاده‌اند تا با نژادپرستی در مدارس مقابله کنند. هنگامی که فرماندار کالیفرنیا در جریان شورش‌های سال ۱۹۹۲ از دولت فدرال کمک خواست، نیروها به لس‌آنجلس اعزام شدند؛ اما تاکنون سابقه نداشته که در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری از ارتش استفاده شود. در ماه ژوئن، ترامپ با استناد به قانون شورش، قصد داشت از نیروهای فعال ارتش برای سرکوب ناآرامی‌ها پس از کشته‌شدن «جورج فلوید» از سوی پلیس مینیاپولیس استفاده کند اما «سارک اسپیو»، وزیر دفاع آمریکا، با استفاده از نیروهای نظامی برای اجرای قانون مخالفت کرد. او علناً استدلال کرد که «قانون شورش صرفاً باید در فوری‌ترین و وخیم‌ترین شرایط مورد استناد قرار گیرد» و تأکید کرد که «در حال حاضر در چنین شرایطی نیستیم».

باین حال، امتناع رهبران نظامی از اجرای دستور ریاست‌جمهوری با استناد به این قانون امری بی‌سابقه خواهد بود. با حضور نیروی نظامی در اماکن رأی‌گیری، دموکرات‌ها نگران آن هستند که طرفداران ترامپ رأی‌دهندگان دموکرات را در مکان‌های رأی‌گیری بترسانند و مانع رأی‌دادن آنها به بایدن شوند. ترامپ در مناظره ۲۹ سپتامبر هم بر این نگرانی‌ها دامن زد و از طرفدارانش خواست «وارد حوزه‌های رأی‌گیری شوند و همه چیز را بسیار دقیق زیر نظر داشته باشند». چندین مقام ایالتی از جمله «اندرو کوکومو»، فرماندار نیویورک، احتمال استفاده از نیروهای گارد ملی برای تأمین امنیت در صندوق‌های رأی را مطرح کرده‌اند. مقام‌های دیگری هم بودند که در زمان انتخابات مقدماتی از گارد ملی استفاده کردند. در برخی مواقع آنها لباس غیرنظامی بر تن می‌کردند و جای مأموران نظرسنجی یا متصدیان رأی‌گیری را که بر اثر ابتلا به ویروس کرونا غایب بودند بر می‌کردند؛ اما بدون تردید گارد ملی بیرون از روند رأی‌گیری در انتخابات خواهد بود.

«میشل فورنوی»، یکی از چهره‌های شاخص حزب دموکرات که در صورت پیروزی بایدن نامزد اصلی برای تبدیل‌شدن به اولین وزیر دفاع زن آمریکا خواهد بود، حضور مقام‌های نظامی یونیفرم‌پوش را باعث ترس و نگرانی رأی‌دهندگان می‌داند و به آسوشیتدپرس می‌گوید: «گارد ملی تنها در صورت شلوعی و عدم توانایی پلیس در انجام وظیفه باید مورد استفاده قرار گیرد، اما استفاده از نیروهای گارد ملی در اماکن رأی‌گیری می‌تواند برای رأی‌دهندگان بسیار ترسناک باشد، باین‌حال امیدوارم که ما به‌عنوان یک ملت چنین چیزی را تجربه نکنیم».

وضعیتی بحرانی دارند. در چنین شرایطی حتی مصر هم تحت حاکمیت ژنرال عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهوری مصر و چالش‌های اقتصادی، بسیار ناتوان نشان می‌دهد. فلسطینی‌ها، قطر و جریان‌های شیعه در لبنان که شاهد عادی‌سازی رابطه اعراب و اسرائیل هستند، اکنون باید به حمایت ترکیه و ایران، دو کشور غیرعرب منطقه متکی باشند. از این دو کشور احتمالاً ایران وضعیتیی متفاوت‌تر دارد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور مستبد ترکیه همچنان که در حال پایان‌یافتن است زیرا تعداد نیروهای آمریکایی در عراق از ۱۳۲ هزار به سه هزار نفر و در افغانستان از صد هزار به چهارهزارو ۵۰۰ نفر رسیده و در سوریه هم کمتر از هزار نظامی حضور دارند».

ما در دوره جدیدی قرار داریم: نشانه‌های همکاری اعراب و اسرائیل در حال آشکارشدن است، نئو عثمانی‌گری در ترکیه در حال توسعه است و چالش‌های داخلی در ایران نمایان‌تر می‌شود، تمام این تحولات زیر سایه تسلط اقتصادی چین بر خاورمیانه جریان دارد. چین خلاف ایالات متحده، خاورمیانه را «اولویت چهارم» نمی‌بیند بلکه به‌طور فزاینده‌ای آن را به عنوان اولویت اصلی خود می‌بیند. خاورمیانه برای طرح ابتکاری «کمربند و جاده» چین که آسیا را به اروپا متصل می‌کند، نقشی ضروری دارد. در نتیجه چینی‌ها با صرف صدها میلیارد دلار در حال ساخت بنادر و پایگاه‌های نظامی در منطقه هستند.

اکنون زمان خارج‌شدن از خاورمیانه نیست. در چنین شرایطی حتی نمی‌توان تصور کرد که خاورمیانه منطقه‌ای بی‌ربط به جهان است. در واقع، خاورمیانه بخشی اساسی از اوراسیاست. بنابراین وقت آن رسیده که در دوره بعدی ریاست‌جمهوری آمریکا، واشنگتن به گسترش و تحکیم صلح اعراب و اسرائیل کمک کند تا از این طریق ترکیه و ایران را محدود کند؛ تمام این اقدامات باید با مدیریت هوشمندانه افزایش حضور چین در هند و اقیانوس آرام انجام شود.

● محقق ارشد مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی
منبع: National Interest

خبر

ادامه جنبش اعتراض علیه

تانیاهو با حمل پرچم‌های سیاه

● اعتراض هزاران ساکن سرزمین‌های اشغالی که با دردست‌داشتن پرچم‌های سیاه به نشانه اعتراض به کابینه «بنیامین نتانیاو» نخست‌وزیر اسرائیل و وضعیت بحرانی ناشی از کرونا به خیابان‌ها رفته‌اند، همچنان ادامه دارد. به گزارش ایرنا، پایگاه خبری عربی ۲۱ روز یکشنبه نوشت که جنبش اعتراضی اسرائیلی با عنوان «پرچم‌های سیاه» برای شانزدهمین هفته پی‌درپی با برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز خواستار استعفای بنیامین نتانیاو است. براساس این گزارش، برگزاری تجمع و راهپیمایی‌های اعتراضی علیه نتانیاو افزون بر تل‌آویو در سایر مناطق سرزمین‌های اشغالی از جمله قدس، حیفا و سایر مناطق با حضور هزاران نفر برگزار شد و در جریان آن درگیری‌هایی با پلیس اسرائیل به وجود آمد. این تظاهرات هم‌زمان با تعطیلات یهودیان به علت فرارسیدن عید «شادی تورات» و محدودیت‌های اعمال‌شده برای کرونا که در آن مردم حق ندارند بیش از هزار متر از منازل خود دور شوند، انجام شد و مشارکت‌کنندگان در این تظاهرات با دردست‌داشتن پرچم‌های سیاه، شعارهایی را علیه نتانیاو سر دادند. پارلمان اسرائیل چهارشنبه دو هفته پیش با تصویب طرحی ضمن ایجاد محدودیت برای برگزاری اعتراضات، خروج از منازل به فاصله بیش از یک کیلومتر برای شرکت در اعتراض‌ها و شکل‌گیری تجمع‌ها را به حداکثر ۲۰ نفر در فضای بیرونی محدود کرد تا موجب خاموشی تظاهرات هفتگی گسترده در نزدیکی محل اقامت نتانیاو شود. موضوع برگزاری تظاهرات و اعتراضات در دوران قرنطینه کامل در کابینه ائتلافی اسرائیل به مسئله‌ای پرمناقشه تبدیل شد، در حالی که حزب لیکود که نتانیاو ریاست آن را برعهده دارد و بیشتر این اعتراضات در مخالفت با ناکارآمدی او و پرونده‌های فسادش انجام می‌شود، موافق تصویب این طرح بود. شریک اصلی این حزب در کابینه یعنی حزب «آبی و سفید» به ریاست «بنی گانتس» با این مسئله مخالفت کرده بود. کابینه نتانیاو به خاطر سوم‌مردیت در مقابله با شیوع ویروس کرونا، زیر تیغ تیز انتقادات شدید ساکنان سرزمین‌های اشغالی قرار دارد، به‌طوری‌که این رژیم به مقایسه با جمعیت، یکی از بیشترین مبتلایان به ویروس کرونا را در جهان دارد و با وجود گذشت حدود ۱۰ روز از قرنطینه کامل، تاکنون تلاش کابینه برای کاهش میانگین مبتلایان به ویروس کرونا ناکام مانده است.

ورود سعد حریری به صف نخست‌وزیری لبنان

● انتخاب گزینه نخست‌وزیری در لبنان وارد مرحله جدیدی شده و حالا «سعد حریری» نخست‌وزیر اسبق لبنان که پیش‌تر چندین نوبت به درخواست‌ها مبنی بر پذیرش این سمت پاسخ منفی داده و طفره رفته بود، اعلام کرده که به‌طور مشروط آمادگی دارد این منصب را دوباره برعهده بگیرد. لبنان در چند سال گذشته و به‌ویژه یک سال اخیر با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده که فساد دستگاه اجرائی این کشور و خروج برنامه‌ریزی‌شده مقدار زیادی از ذخیره ارزی و به دنبال آن استعفای سعد حریری در سال گذشته و در ادامه شیوع ویروس کرونا و در آخر هم انفجار مهیب بندر بیروت از عمده مشکلات این کشور بوده است. یکی دیگر از مشکلات فعلی لبنان استعفای «حسن دیاب» نخست‌وزیر ملی‌گرای لبنان است که با فشارهای جریان ۱۴ مارس و چند کشور غربی-عربی پس از انفجار مهیب بندر بیروت رقم خورد و از آن پس تاکنون او و کابینه‌اش به عنوان دولت پیشبرند امور فعالیت می‌کند. یکی دیگر از مشکلات اساسی و عمده لبنانی‌ها در دولت کشورهایی همچون فرانسه، عربستان و آمریکا در امور داخلی لبنان و حمایت این کشورها از برخی جریان‌های داخلی لبنانی بازمی‌گردد، جریان‌هایی که بیشتر به منافع کشورهای یاشده فکر می‌کنند تا به منافع لبنانی‌ها. در دو ماه اخیر این برای دومین بار است که نام سعد حریری برای به‌دست‌گرفتن دوباره سکان کابینه لبنان، به گوش می‌رسد. در بار اول که نام سعد حریری برای احراز پست نخست‌وزیری لبنان مطرح شد، «نبیه بری» رئیس پارلمان این کشور حمایت خود را از او اعلام کرد، اما جریان آزاد ملی لبنان به رهبری جبران باسیلید داماد میشل عون و از احزاب جریان ۱۴ مارس با انتخاب دوباره حریری مخالفت کرد. حال با گذشت دو ماه از انفجار مهیب بندر بیروت که هنوز نتایج تحقیقات درباره علل وقوع آن منتشر نشده دوباره نام سعد حریری برای احراز پست نخست‌وزیری لبنان بر سر زبان‌ها افتاده است. روزنامه لندنئی «العربی الجدید»، به نقل از سعد حریری نوشت «نگران جنگ داخلی، حمل سلاح و زرمایش‌های نظامی هستم که در خیابان شاهد آن هستیم… این یعنی فروپاشی کشور». او همچنین گفته است که اگر بسیاری از سیاست‌مداران لبنانی بر سر معامله با صندوق بین‌المللی پول توافق داشته باشند، آماده بازگشت به منصب نخست‌وزیری است.